

بسم الله الرحمن الرحيم

برنامه سازی آموزشی هویت ساز

از آنجا که عالم را تربیت گرا می دانیم اولین چیزی که در علوم اسلامی و نهادسازی نظر ما را جلب کرد تعلیم و تربیت است و فکرم این بود که اگر بخواهیم چیزی را در منابع دینی فهم کنیم باید تسلط مقدور بشود که اگر در مبانی هستیم در حوزه علوم تربیتی یا میدان تربیتی رفت و آمد داشته باشیم که این بحث نظر تا عمل را امتداد بدهیم.

با همین انگیزه وارد حوزه مدرسه و طرح و برنامه مدرسه شدیم و حدود ۷ سال کار کردیم و خاک مدرسه را آدم باید بخورد تا بفهمد اوضاع از چه قرار است. بنده هم اکنون ریاضی هفتم درس می دهم. این افقی است که لازم است ما به آن اهتمام داشته باشیم و وقتی وارد حوزه تعلیم و تربیت می شویم هم مبانی و هم اندیشه های مختلف را بشناسیم و از طرفی سیاست گذاران و سازمان تربیت و اسناد بالادستی را دیده باشیم و کف میدان تربیت که مدرسه و کنشگران مدرسه و طرح و برنامه مدرسه که بنده تلاش کردم به حد وُسع در این ها حضور داشته باشم.

برنامه سازی آموزشی هویت ساز از همین مبانی نشأت می گیرد.

اولین سؤال ما این بود که مسئله اصلی در تحول آموزش اصولاً چیست زیرا انسان فکر می کند وقتی در این میدان حرکت می کند اینگونه نیست که به فکر تحول نباشد بلکه وقتی وارد بدنه آپ می شود احساس می کند انسان های دغدغه مند تحول هم هست و برای اینکه تحول را ترجمانی بکنیم در برنامه تربیت و برنامه آموزشی اخیراً قرارگاه اجرایی سازی سند تحول که ملحق به وزارتخانه شده تحقیقی انجام داده به عنوان محورهای مفهومی در برنامه تربیت در مدرسه تراز سند تحول:

۱. طراحی برنامه تربیتی مبتنی بر هویت دوره
۲. متنوع سبب فرصت های تربیتی رشد دهنده و تعالی بخش
۳. ایجاد فرصت انتخاب آزادانه و آگاهانه
۴. تربیت تمام ساحتی متوازن و هویت ساز: از همین جا ایده شبکه سازی دروس کلید خورده
۵. پیوند سازی با تجربیات واقعی
۶. متناسب سازی تجربیات با شرایط رشدی

۷. انعطاف‌پذیری برنامه ای با توجه به تفاوت‌های فردی

۸. آموزش مبتنی بر تفکر و پژوهش

۹. یادگیری و ارزشیابی مشارکتی

۱۰. بستر سبب و ارتقا شایستگی‌ها

چالش چیست که تحول در برنامه رخ نمی‌دهد؟

- اولاً عدم توانمندی کادر و مربی‌ها در برنامه سازی

- ثانیاً تمرکزگرایی در نظام آموزشی

توانمندی برنامه سازی در حدی که بتوانید شاخصه‌ها را تأمین کنید را شخص ندارد و چیز کوچکی نیست که شما بتوانید سریع حلش کنید.

راه حل پیشنهادی برخی کنشگران: مدرسه محوری و آزاد سازی همه یا بخشی از برنامه آموزشی البته تدریجی برای ایجاد فرصت توانمند سازی و الگوگیری مربیان.

در مدرسه محوری، مسئله چالش هویتی است یعنی چیزی که نگران کنندست این است که آپ خصوصی نشود و حفظ ویت مشترک ملی و دینی.

آموزش و پرورش هویت ملی و دینی ما را می‌سازد و اون مقداری که شما می‌گید رها کن فقط موضوع درس عوض نمی‌شود بلکه فرهنگ و روشش هم عوض می‌شود و یکی با رقص یاد می‌دهد و فرهنگی که به این بچه منتقل می‌شود نیاز به توجه دارد.

اخيراً در جنبش‌های خیابانی اکثرشان بچه‌های مدرسه ای نبودند و این چالش اولاً چالش هویتی است و نگرانی ما در ابعاد زیاد حفظ هویت مشترک ملی و دینی است در عین اینکه همه ما قبول داریم که تنوع سلايق و توجه به تفاوت‌ها و آزادی برای بروز خلاقیتها خیلی اهمیت دارد باید هویت ملی و دینی باقی بماند.

در عین حال این چالش را داریم که باید مربیان توانمند شوند در برنامه سازی خلاقانه تمام ساحتی، با توجه به تفاوت‌های فردی و سنین مختلف رشد، ارتقا مهارت‌های پایه، کشف مطالب آموزشی، ایجاد فرصت تفکر و پژوهش، در عین استفاده از قالب‌های متنوع و جذاب و ...

این‌ها همه کار را سخت می‌کنند و باید به این سؤال پاسخ داد که:

۱. چگونه می‌توان انفعال فعلی معلمان و بچه‌ها در مدارس را تبدیل به فعالیتی خلاقانه، متنوع و متکی بر ظرفیت‌های متربی و مربی نمود

۲. از هویت مشترک دینی و ملی و حتی قومی در خلال این تنوع محافظت نمود؟

۳. مربیان را هم در میدان مدرسه برای چنین تعاملی با دانش آموز و طراحی و مدیریت چنین کلاسی توانمند نمود،

۴. در عین حال نهاد مدرسه موجود، پذیرش چنین تحولاتی را هم داشته باشد.

یک مدرسه ای را پیشنهاد دادید که از نظر اقتصادی امکان اجرایش نیست و یک الگوی قابل توسعه که آپ بتواند پای بعدیش را بگذارد آنجا.

جادارد که روی این مسئله یک مقدار جدی تر فکر کنیم و گمان این است که با این مسئله خوب انس گرفته نمی‌شود و فکر می‌کنند که اصلاً آراه تحولی نیست.

به نظر می‌رسد که ما چالش برنامه ای داریم و باید منطق و پشتوانه داشته باشد و توجه به ظرفیت‌های پنهان و نسبتاً غیرفعال برنامه آموزشی

و نقطه ای که چرخش تحول آفرین ایجاد می‌کند و تحققش در ابعاد بزرگتر محقق می‌شود کجاست؟

به نظر می‌رسد که طرح درس‌هایی که نمونه هاش را بنده نوشتم برای ۵ پایه اول می‌تواند مشکل را تا حدّ زیادی حل بکند.

طرح درس‌های هویت ساز مسئله مورد بحث ماست و طرح درس دست معلم است و هیچ معلمی از طرح درس خوب بدش نمیاید که ما بتوانیم بش پیشنهاد کنیم.

در این طرح درس‌ها یک سیر دانشی و هویتی پیگیری می‌شود و ما به آپ می‌گوییم که کتاب‌ها را نمی‌خواهد عوض کنید و جمله هویتی را من با کتاب‌های شما می‌سازم و ما سعی می‌کنیم که این‌ها را تمام ساحتی بکنیم ولی نحوه اتصال این ساحت‌ها یک سیر هویتی است که من بش میدم و اینجا بت شاخصی هم می‌دهم که اگر بازرس رفت سر کلاس تحقق اهداف هویتی را هم پیگیری کند.

سیر دانشی آن را از کتاب‌های درسی عمومی می‌گیریم و سیر هویتی یک پیشنهاد خلاقانه مبتنی بر نظام معارف اسلامی است و البته تنها سیر هویتی ممکن نیست بلکه نمونه ای از یک چارچوب مشترک هویتی است که وحدت جهت حرکت هویتی را در عین تنوع سلايق ایجاد می‌کند.

اینجاست که ایده شبکه سازی کتب در سیدر چارچوب یک نظام مسائل هویت ساز را مطرح می‌کنیم. شبکه سازی یک مقداری داره دستمالی می‌شود و زیادی این مسئله گفته می‌شود و داخلش خبری نیست.

ما ارکان طرح درسها را در سه رکن پیشنهاد می‌دهیم که وقتی طرح درس‌ها را تغییر می‌دهیم این ارکان نمی‌تواند تغییر کند.

رکن اول: برای هر پایه یک هویت واحد طراحی می‌شود و سیر ارتقایی این هویت در پایه‌های متوالی لحاظ می‌شود به گونه ای که از کلاس اول تا ششم یک هویت واحد ارتقا یابنده برای متربیان شکل بگیرد.

رکن دوم: در هر پایه هویت واحد در سیر موضوعی به تدریج پیگیری می‌شود به شکلی که متربیان به تدریج به سمت هویت مدنظر در آن پایه حرکت نمایند.

رکن سوم: در هر مسئله نیز سیری دنبال می‌شود که هدف هویتی مد نظر از آن مسئله را محقق نماید.

* کتب درسی نیز در هر مسئله با یکدیگر و با این سیر هویتی شبکه شده و بخشی از این پیکره دانشی معرفتی را تشکیل می‌دهند. در حقیقت هر بخش از کتابهای درسی، در بخشی از پازل هویتی قرار گرفته و جهتی هویتی به خود می‌گیرد.

رکن ۱: انسجام هویتی دبستان

- شعار هویتی پایه اول: «خودش را بشناس و امیدوار باش»
- شعار هویتی پایه دوم: «به پیرامونت خوب نگاه کن و مؤثر باش»
- شعار هویتی پایه سوم: «ارتباطها را کشف کن و مسئول باش»
- شعار هویتی پایه چهارم: «حرکت را آغاز کن و تحول آفرین باش»
- شعار هویتی پایه پنجم: «ظرفیتها را بشناس و شکوفا کن»
- شعار هویتی پایه ششم: «تحولات پیرامونی ات را بشناس، متفکر، نقاد و انتخابگر باش»

رکن ۲: انسجام هویتی هر پایه

هر کدام از درس‌های تعریف شده به ساحتی از ساحت‌های شش‌گانه تربیتی می‌پردازد و وقتی می‌خواهیم برای بچه‌ها هویتی بسازیم این ساحت در یک نسبت معقول به هم گره می‌خورد؛ مثلاً برای پایه اول پیرامون شعار خودت را بشناس و امیدوار باش چهارگام تصویر می‌شود:

- چالش هویتی اهداف هویتی
- چه توانایی‌هایی داری تو می‌توانی
- چه امکاناتی در اطرافت می‌بینی دنیای گیاهان و جانوران در خدمت توست، زمین و خاک در خدمت توست، آب و هوا در خدمت توست
- چگونه از این توانایی‌ها و امکانات استفاده می‌کنیم ...

رکن ۳: انسجام فعالیتها در هر گام هویتی

وارد هر گام که بخواهید بشوید و از چالش به سمت هدف برید باید یک سیر شناخت تا اقدام را طی کنید. سه‌گانه شناخت موضوع: چیستیف چرایی و چگونگی موضوع سه‌گانه اقدام تحولی: وضع موجود، وضع مطلوب، تصمیم

شعار هویتی: ظرفیت‌های خودت و کشورت را بشناس و شکوفا کن

شناخت منابع متنوع کشور و ارتباط آن‌ها: بچه‌ها تنوع منابع طبیعی و انسانی را می‌بینند و در این فاز پراکندگی منابع رؤیت می‌شود

گام دوم: چرایی موضوع؛ غایده توجه به منابع کشور و پراکندی آن دک نیازها و مسئولیت هاست. در تفاوت‌هایی که بین انسان‌ها و منابع ایجاد می‌شود و ما را پای زندگی اجتماعی می‌آورد نیاز اس مثال من یک منابعی در منطقه دارم که باقی ندارند و منابع طبیعی در هر منطقه ظرفیت هر منطقه است.

چگونه ظرفیتهای کشورت شکوفا می‌شود؟

آنچه برای شکوفایی ظرفیتهای لازم است و مسئله منابع طبیعی، راه‌ها و حکومت هیچ ربطی به هم ندارند و من برنامه‌ریز آن را وارد یک پارادایم حکومتی کردیم و اگر راه نباشد امکان ارتقا نداریم و در ارتباط اجتماعی راه هویتی پیدا می‌کند.

همین که مردم مسئولیت‌هایشان را شکوفایی ظرفیتهای و بهره‌برداری از منابع طبیعی مناطق مختلف درک کنند شکوفای ی رخ می‌دهد؟

اینجا حکومت کنار این قرار می‌گیرد و حالا که این‌ها را فهمید می‌بیند که وقتی می‌خواهید این‌ها را شکوفا کنید یک سری قوانینی بالادستی در نسبت تو در انجام مسئولیت‌ها ت دارد و قوانین خداوند در مورد نحوه انجام مسئولیت انسان بیان می‌شود به این صورت که:

- اولاً هر کس نتیجه انجام یا ترک مسئولیتش را می‌بیند
- ثانیاً هر کس برای خدا کار کند تلاشش برکت می‌کند نتیجه کارش زیاد می‌شود
- ثالثاً خدمات برخی بعد از انجام مسئولیت مشخص می‌شود.

گام اول و دوم از فرایند اقدام: تعیین وضعیت موجود و مطلوب

کارآفرینان چگونه از ظرفیت کشور استفاده کردند؟

حالا که همه بسترها در کشور مهیا است، شما هم می‌توانید با شکوفایی ظرفیتهای انسانی و طبیعی منطقه خود کارآفرینی موفق داشته باشیم.

گام سوم از فرایند اقدام: تصمیم برای حرکت از وضع موجود به سمت مطلوب؛ تصمیمات کلاس برای استفاده از ظرفیتهای، چه کاری می‌توانند انجام دهند در این سن و سال؟ پیشنهاد کتاب جریان‌سازی فرهنگی برای بیدار کردن همه نوجوان هم سن و سال خودشان است و چندین برنامه‌شدنی و کارآمد برای جریان‌سازی فرهنگی پیشنهاد می‌شود و در بخش تصمیمات کلاس این فعالیتها پیگیری می‌گردد.

اصولی که باید رعایت شود:

۱. حرکت هویتی باید آگاهانه باشد. اگر یک دور بریم راه باز می‌شود و هفته اول سال را بگذاریم برای اینکه کارهای قبلی سال را نشان دهیم و انگیزه ایجاد کنیم و شعار را در طی یک هفته جذاب برایشون معنادار کنیم که ما می‌خواهیم مؤثر باشیم. البته با یک هفته افق می‌دهیم و این مسئله در طول سال حل می‌شود و وقتی جریان را راه انداختی تعدادی پیش تاز می‌شوند و کسانی که ضعیف تر هستند می‌ایند داخل کار.
۲. آغاز کار با مسئله متربی است
۳. برای ورود ایجاد انگیزه کنیم و پیگیری حل مسئله نیز ضروری است
۴. در هم تنیدگی گامهای یک مسئله که معلم بداند وقتی وارد شناخت می‌شود در ظرف مؤثرش افق گشایی کند
۵. به سه بعد اجتماعی، فیزیک و ما وراء توجه کند
۶. این کارها باید با کتاب درسی گره بخورد به این نحو که هر بار بچم را سر کتاب می‌فرستم هر بار با یک سؤال می‌فرستم یک بار می‌فرستم که انرژی چیست
۷. توجه ویژه به کشف، تطبیق و ارتقا مطالب درسی یعنی به دنبال این هستیم که تمام مطالب را بچه‌ها کشف کنند مثلاً مناطق آب و هوایی را بچه‌ها کشف می‌کنند
۸. توجه به روند روحیه سازی و مهارت افزایی: یا برنامه بهتری که این را محقق کند یا اگر نداری قالبش را عوض کن و همین را اجرا کن
۹. استفاده از قالبهای متنوع، متناسب و جذاب